

محبت به حضرت زهرا سلام الله علیها

لیلا درستکار^۱

چکیده

این پژوهش پیرامون روایات و برخی آیات از آن جهت حائز اهمیت است که روایات باعث فهم بیشتر آیات الهی می شود و روایات یکی از منابع اربعه است که در آن دستوراتی پیرامون انسان آمده است پس این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی است که بصورت کتابخانه ای انجام گرفته است سعی دارد با تفسیر واژگان و تبیین لغات و استفاده از روایات در شناساندن محبت به حضرت زهرا سلام الله علیها گام بردارد پس در این راستا در محور اول به بررسی معانی واژه های «حب» و «مودت» و «بغض» می پردازد. و در گام بعدی انواع محبت را طبق روایات بیان میکند. و در ضمن آن روایاتی که ملاک و آثار محبت را بیان می دارد. یکی از راههایی که انسان می تواند به کمال برسد عشق ورزیدن به اهل بیت علیهم السلام است حال برای اینکه انسان به محبت حقیقی دست پیدا کند ابتدا باید معنای حب، مودت و بغض را بداند و انواع محبت و ملاک و آثارش را بشناسد.

واژگان کلیدی؛ حب، مودت، بغض.

مقدمه

هر کار نیک و بدی در دنیا و آخرت آثار و نتایجی را به دنبال دارد دوستی و دشمنی محبت به حضرت زهرا سلام الله علیها نیز از این قاعده مستثنی نیست، محبت به محبت به حضرت زهرا سلام الله علیها زمینه ساز عشق به خدا می باشد پس این عشق همه ی سعادت و کمال را به دنبال خواهد داشت بنابراین اگر بخواهیم محبت به خاندان پیامبر را بشناسیم و با آنها ارتباط پیدا کنیم، باید با آنها ارتباط قوی داشته باشیم که بهترین نوع ارتباط محبت به حضرت زهرا سلام الله علیها است همان محبت و مودت، که یک رابطه قلبی و درونی است. در این مقاله به بررسی واژگان محبت، مودت و بغض می پردازیم. آثار محبت و بغض را بیان می داریم.

مفهوم شناسی

۱- معنای محبت

۱-۱- حب در لغت:

به معنای محبوب (خواستن و تمایل بچیزی که می بینی و آن را خیر می پنداری) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۳۹) و به شدت دوست داشتنی (قرشی، ۱۴۱۲: ۲/ ۹۳؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۷۸۸؛ دهخدا، ۱۲۵۸-۱۳۳۵: ۱۷/ ۱۸۳).

برخی واژه های هم معنا با حب عبارت اند از: وُد (بستانی، همان، ص ۹۸۱؛ راغب اصفهانی، همان: ۴/ ۴۳۱)، حُلت (راغب اصفهانی، همان: ۱/ ۶۲۱)، ولایة (بستانی، همان کتاب: ۹۹۶) وهوی (همان، ص ۹۶۵).

^۱ طلبه سطح دو، مجتمع علوم اسلامی کوثر، beheshti100000@gmail.com

۲-۱-حب در اصطلاح:

دارای مراتب شدت و ضعف و دربرگیرنده امور مادی و غیرمادی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۶۲۰). و در مصباح الشریعہ (۱۳۶۰: صص ۴۴۳-۴۴۴) پایه حب منقطع شدن و منصرف بودن از غیر محبوب، و تزکیه و تنزیه اوست از هر گونه نقطه ضعف و نقص و عیب. و تا شخص محب به این درجه از علاقه و توجه نرسیده است در محبت خود صادق و خالص و پا برجا و ثابت نبوده، و در معرض تزلزل و زوال قرار خواهد گرفت. و چنان که گفتیم حب ارتباط شدیدی است فیما بین طرفین، و البته این ارتباط و علاقه در جهان آخرت روشتر و محکمتر و باصفاتر می شود، زیرا حجابها و موانع جسمانی دنیوی از میان برداشته شده است. و محبت چون برقرار شود، هیچ لذت و حلاوت و نعمتی با آن نتواند رقابت و مقابله کند، مخصوصا که حب الهی باشد. آری انسان در مقابل محبت شدید به فردی یا امری حاضر است از تمام خوشیها و نعمتها حتی از مال و اولاد و عنوان بگذرد، و همه و همه را در راه وصال او فدا کرده و از دست بدهد.

۲-معنای وُدّ

۲-۱-وُدّ در لغت:

همانند مودت به معنی دوست داشتن است (قرشی، همان: ۷/۱۹۲؛ ابن بابویه، بی تا، ص ۲۳۴)

سبط ابن جوزی در تذکره ص ۱۰ در ذکر فضائل آنحضرت از ابن عباس نقل کرده:

«هذا الود جعله الله لعلی (علیه السلام) فی قلوب المؤمنین».

«خداوند محبت آنحضرت را در قلب مؤمنین قرار داده است.» (همان؛ آمینی نجفی، ۱۳۶۸: ۲/۵۶).

۲-۲-وُدّ در اصطلاح:

وُدّ با ضمه حرف اول، محبت به چیز است و آرزو داشتن نسبت به آن و یا هر دو معنی در این واژه بکار میرود زیرا تمنی که آرزو داشتن و دریافت چیزی نمودن است یا متضمن و در بر گیرنده معنی دوستی است (زیرا دوستی از سه مرحله نیاز، شناخت و سپس عشق و محبت) میگردد. و معنی خواستن و تمایل شدید رسیدن و بدست آوردن چیز است که دوستش دارند. (راغب اصفهانی، همان: ۴/۴۳۱).

فرق محبت و مودت:

آیت الله العظمی جوادی آملی تصریح داشتند: ما یک «محبت» داریم و یک «مودت»؛ مودت، پاک تر و منزّه تر از محبت و به عشق نزدیکتر است لذا در رابطه با اهل بیت علیهم السلام فرمود: «قل لا اسالکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری: ۲۳) از طرف دیگر این نکته را مورد تاکید قرار می دهد که شما پیروان قرآن و عترت باید دو اصل را رعایت کنید؛ یک مودت داشته باشد و دوم اینکه مودت شما تنها در این خاندان استقرار داشته باشد چراکه دوستی به تنها مشکلی را حل نمی کند،

دوستی اهل بیت علیهم السلام را بسیاری از افراد که شیعه نیز نیستند در دل دارند، اما مودت یعنی تمام دوستی و دوستی تمام! و دیگر علائق نیز باید در این مسیر باشند.^۱

۳- معنای بغض

۳-۱- بغض در لغت:

به معنای کینه، دشمنی (قرشی، ۱، ۲۰۶) کراهت و انزجار (بستانی ص ۱۸۹) است.

۳-۲- بغض در اصطلاح:

یعنی تنفر و انزجار نفسانی و روحی از چیزی که به بی میلی و دوری از آن می انجامد، بغض ضد محبت و دوستی است زیرا دوستی، و محبت تمایل و کشش نفس به چیزی است که به آن راغب می شود و - بغض - خلاف آن است (راغب اصفهانی، ۱، ۲۹۴/).

«ابو سعید مکاری گوید: مردی از امام صادق علیه السلام نقل کرد که آن حضرت علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام فرموده: دشمن ما خاندان روز را شب و شب را روز کند در حالی که در پرتگاهی است مشرف بر سیاهچالی پر از آتش، و بدون تردید این پرتگاه عاقبت او را به دوزخ خواهد افکند، پس بدا بحال جهنمیان و بد جایگاهی است دوزخ برای ایشان، زیرا خداوند خود (در چند سوره) فرموده: «فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ»؛ «بد منزلگاهی است جایگاه متکبران» (غافر: ۷۶؛ زمر: ۷۲؛ نحل: ۲۹) یعنی آنان که از پذیرفتن حق سر باز زنند. آنگاه فرمود: هیچ فردی نیست که در محبت ما خاندان کوتاهی کند و خداوند خیری در او قرار داده باشد» (ابن بابویه، ب: بی تا، ص ۴۷۱-۴۷۲)

دوستی و دشمنی با خداوند متعال

«حبیب بن معتمر گوید: در صحن مسجد کوفه نزد علی علیه السلام رفتم و گفتم: یا امیر المؤمنین، روز را چگونه به شب آوردید؟ گفت؛ در حالتی که دوستدار دوستداران بودم و دشمن دشمنان. دوست خود را دیدم که به سبب دوستی ما به رحمت خدا می بالید و منتظر آن بود و دشمن خود را دیدم که بنیان خود بر کنار سیلگاهی که آب زیر آن را شسته نهاده و چنان می بینم که در آتش جهنم سرنگون شده و چنان است که درهای بهشت را می بینم که بر روی بهشتیان گشاده است. گوارا باد اهل رحمت را رحمتشان و بدبختی باد برای اهل آتش. آنکه خواهد که بداند که دوستدار ماست یا خصم ما، دل خویش به محبت ما بیازماید. هیچ کس از بندگان خدا ما را دوست ندارد مگر آنکه خدا او را برای دوستی ما برگزیده باشد و هیچ کس از بندگان خدا ما را دشمن ندارد مگر آنکه خدا او را برای دشمنی ما برگزیده باشد. ما نجابیم و پیشوایی از خاندان ما پیشوای همه پیامبران است و من سرور همه اوصیایم، من از گروه خدایم و از گروه رسول او و اما جماعت ستمگران گروه شیطانند و شیطان از ایشان است.» (ثقفی، ۱۳۷۴: ص ۲۱۲)

چه کسانی هلاک و چه کسانی نجات پیدا میکنند؟

^۱ عبدالله، جوادی آملی، جلسه درس اخلاق (۹۶/۱۲/۳)

«علی علیه السلام گوید: سه گروه به سبب من هلاک شوند و سه گروه نجات یابند. آن سه گروه که هلاک شوند، یکی آنکه مرا لعنت می کند. دو دیگر آنکه می شنود و اقرار می آورد و سوم عامل گناه و آن پادشاه شادخواری است که مردم لعنت به مرا وسیله تقرب به او گیرند و در نزد او از آیین و عقیدت من برائت می جویند و در حب من نزد او طعن می کنند و حال آنکه حب من حب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و دین من دین اوست. اما آن سه گروه که به سبب من نجات می یابند، یکی دوستدار وابسته به من و دوم دشمن دشمن من و سه دیگر دوست دوست من. چون بنده ای مرا دوست دارد و دوست مرا نیز دوست دارد و دشمن مرا دشمن دارد، چنین کسی از من پیروی می کند. پس هر کس باید قلب خود را بیازماید خداوند در درون هیچ کس دو قلب جای نداده است که با یکی دوست بدارد و با یکی دشمن. هر که در دلش محبت ما با محبت دیگری آمیخته شود و مردم را بر ضد ما بر انگیزد، بداند که خدا و جبرئیل و میکائیل دشمن او هستند و خدا دشمن کافران است.» (همان، ص ۲۱۳).

اسلام بر پایه محبت

«کمیل بن زیاد گوید: از امیر المؤمنین علیه السلام پرسیدم اسلام بر چه پایه ای قرار دارد امام علیه السلام فرمود: اسلام بر هفت پایه قرار گرفته است، اول آنها عقل است که بنای صبر بر آن می باشد دوم نگه داشتن عرض و صداقت در گفتار است. سوم تلاوت قرآن با تفکر و تدبر، چهارم محبت و بغض برای خدا، پنجم حق آل محمد علیهم السلام و شناختن ولایت آنها ششم حق برادران و حمایت از آنها، هفتم با حسن اخلاق با مردم رفتار کردن است.» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱/۳۷۳-۳۷۲)

«سعید بن یسار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: مگر دین جز محبت چیز دیگری هم هست خداوند متعال فرموده: ای محمد به مردم بگو اگر خداوند را دوست می دارید از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد.» (همان، ص ۴۶۷)

انواع محبت

۱- محبت به پروردگار^۱

«حب الهی جذبه ارتباطی است فیما بین بنده و پروردگار متعال که چون این جذبه روشنتر و قویتر گشت: علاقه و ارتباطهای دیگر را از دل قطع کرده، و نور الهی را در قلب وارد نموده، و هر رقم تاریکیها و حجابهای نفسانی را بر طرف می کند. و حقیقت ارتباط، وابستگی است، و چون این وابستگی روحانی حقیقی محقق گشت: موجب نزول رحمت و فیض بوده، و قلب آدمی به وسیله این سیم ارتباط به مبدأ نور و قدرت، پیوسته منور و روشن گشته، و برای استفاضه و گرفتن معارف الهی و حقائق روحانی مستعد خواهد شد. و اما تحصیل حب پروردگار متعال: باید متوجه شد که محبت به طور مطلق از تصور و توجه آغاز می شود، و بعد در اثر توجه بیشتر و شدت تصور و تدبر و تحقیق، مرحله تصدیق پیش آید، و در این مرحله که تحقیق از خصوصیات و صفات و مزایای موضوعی صورت می گیرد، بتدریج بر معرفت و شناسایی افزوده می شود، و هر چه مراتب شناسایی بیشتر و افزونتر گشت، قهرا علاقه و محبت زیادتیر خواهد شد. و ضمناً معلوم است که تحقیق و بررسی در هر

^۱ خداوند متعال در سوره انعام آیه ۹۵ می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى» «حب»، سرشت مؤمن است که خدا محبت و دوستی خود را بر آن انداخت، و «نوی»، سرشت کافران است که از هر خوبی دور شدند. کلینی، ۱۳۸۸: ج ۳ / ۱۵ / ۱ / باب در بیان طینت مؤمن و کافر / ص: ۷)

امری، خواه مادی و محسوس باشد و یا معنوی و روحانی، ملازم با نزدیک شدن و قرب و رفع فواصل و موانع و حجابهاست، تا ارتباط کامل و بررسی دقیق و معرفت تمام حاصل گشته، و میدان دید و شهود بی مانع شود.

و چون در باره شهود جمال و جلال پروردگار متعال، همه موانع و هر گونه حجابها از جانب خود ما به وجود می آید، و در عین حال حجابهای باطنی و معنوی و قلبی (افکار باطل و نادرست، و اخلاق زشت و ناپسند، و علاقه‌های مادی و دنیوی) باشند، پس شخصی که در مسیر محبت و تحصیل معرفت است، می باید تمام جد و کوشش او در راه از بین بردن این موانع و حجابهای نفسانی صورت گرفته، و در تمام حالات و اعمال و حرکات و ساعات خود، منتهای هدف و مقصودش همین باشد و بس. تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز.» (مصباح الشریعه، ص ۴۳۹)

«حضرت صادق علیه السلام در مصباح الشریعه فرمود: مناجات و راز گوئی اهل معرفت بر سه پایه استوار است ۱- ترس ۲- امید ۳- محبت پس خوف و ترس نتیجه علم و دانستن است و امید داشتن نتیجه پیدایش حالت یقین است و محبت و دوستی نتیجه معرفت و شناسائی است علامت و نشانه خوف گریختن و نشانه و علامت امید طلب و دنبال کردن است و نشانه دوستی و محبت برگزیدن و مقدم داشتن محبوب بر هر چه که غیر او باشد- وقتی که علم و دانش در سینه انسان جا گرفت و محقق شد (نسخه دیگر وقتی که انسان مراحل زیادی از معرفت را پیمود) حالت خوف پیدا می شود و هنگامی که این حالت خوف راسخ شد و دوام داشت از هر چیز میگریزد وقتی هم که گریخت نجات می یابد و هنگامی که نور و روشنائی یقین در دل تابش نمود عنایات بیشتری را مشاهده میکند وقتی توانست فضل و عنایات را مشاهده کند حالت امید یافت می شود وقتی لذت و شیرینی رجاء و امید را احساس کرد دنبال میکند و وقتی بسعی و کوشش موفق شد بالاخره می یابد و هنگامی که نور و شعاع معرفت و شناخت در اعماق دل جلوه کرد و راه یافت نسیم محبت و دوستی میوزد وقتی که نسیم محبت وزش کرد همیشه انس و الفت تا محبوب پیدا می کند و مقدم میدارد محبوب خود را بر هر چه جز او باشد و دستور و خواسته او را انجام میدهد و از نواهی و چیزهای ناپسند در نظر او اجتناب و دوری میکند و خواست و نخواست او بر هر چیز دیگر انتخاب مینماید و وقتی بر بساط الفت و حالت انس مستقر و جای گزین شد و اوامر و دستورات او را کاملاً انجام داد و از نواهی او جدا اجتناب نمود بآن حالت راز گوئی واقعی و به مقام قرب و نزدیکی حقیقی واصل می شود و مثل این پایه‌های سه گانه (خوف و رجاء و محبت) مثل حرم و مسجد الحرام و خانه کعبه است. کسی که وارد حرم مکه شد از آسیب و ضرر در امان است. و کسی که وارد مسجد شد (مقداری نزدیک تر شد) اعضا و جوارحش در امان است از اینکه در معصیت بکار افتد. و کسی که داخل کعبه شد قلب او در امان است از اینکه بغیر یاد خدا باشد بیاد غیر خدا باشد.

پس درست دقت کن اگر حالت طوری است که فرا رسیدن مرگ را دوست داری.

سپاس و شکر خدا کن که تو را موفق داشته و از توجه بغیر خودش تو را باز داشته. و اگر حالت دیگری داری با تصمیم جدی و محکم از این حالت حرکت کن و پشیمانی و تاسف داشته باش بر اینکه عمرت در غفلت صرف شده و یاری بطلب از خدا بر پاک کردن ظاهرت از گناهان و پاکیزه نمودن باطنت از نواقص و عیوب و دنباله مسامحه و ادامه غفلت را قطع کن و آتش و شعله شهوات را در درون خود خاموش نما.» (مصباح الشریعه، ص ۵-۹؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۲۱/۱-۲۲).

«سایه یزدان بود بنده خدا
مرده این عالم و زنده خدا
کیف مد الظل نقش اولیا است
کو دلیل نور خورشید خدا است
اندر این وادی مروبی این دلیل
لا احب الالفین گو چون خلیل

انبیاء مظاهر اسماء و صفات الهی هستند و مردم می توانند از سه طریق از وجود آنان استفاده کنند:

اول- تنبه و عبرت و استفاضه از صفات و اخلاق کریمه ایشان.

دوم- استفاده از اعمال و رفتار و کردار ایشان.

سوم- مهتدی شدن و استفاده از اقوال و کلمات ایشان.

پس حضرات انبیاء یگانه وسائل هدایت مردم هستند، و مردم همه رقم می توانند از انوار و فیوضات ایشان استفاده کرده، و با هدایت و راهنمایی تکوینی و تشریحی آنان به سوی حق متعال سیر کرده، و در اخلاق و صفات قلبی و در رفتار و کردار و پندار از آنان پیروی نمایند. (مصباح الشریعه، ص ۲۹۲)

پس برای رسیدن به این مرتبه ی محبت باید از ائمه علیهم السلام کمک گرفت.

عبد العظیم بن عبد الله حسنی از حضرت جواد و او از پدرانش علیهم السلام روایت می کند که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: خداوند اسلام را آفرید و برای او فضاء و عرصه ای قرار داد، و همچنین نوری و حصنی و باروئی برای او مقرر کرد، عرصه آن قرآن و نورش حکمت و حصنش کارهای نیک می باشند ولی انصار و یاری کنندگان آن من و اهل بیت و شیعیان ما هستند، اینک اهل بیت و شیعیان و یاران آنها را دوست بدارید. (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱/۳۶۳)

خداوند متعال در قرآن می فرماید: بگو اگر شما خداوند را دوست می دارید از من متابعت کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهان شما را بیامزد، هر کس خداوند را دوست بدارد خداوند هم او را دوست می دارد و هر کس مورد محبت خدا شد در آسایش خواهد بود. (همان، ۶/۲) «در نتیجه حقیقت محبت تمایل شدید در صورت تحقق ملایمت و رفع موانع و اختلافات است، و این معنی قهرا و طبعاً ملازم تحقق محبت و علاقه از طرف دیگر نیز می باشد. پس محب بودن حقیقی همیشه ملازم با محبوبیت می باشد و روشن شد که محبت حقیقی و الهی هرگز از یک طرف تنها صورت نمی گیرد.» (مصباح الشریعه، ص ۴۴۲)

«امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: محبت خداوند آتشی است که بر هر چیزی عبور می کند آن را می سوزاند، و نوری است که هر جا بتابد آن را روشن می سازد، و ابری است که هر جا ظاهر شود همه را می پوشاند، او بادی است که از طرف خداوند می وزد و همه را به حرکت وامی دارد.»

محبت خداوند آب حیات است که خداوند بوسیله آن هر چیزی را زنده می‌کند، و سرزمینی است که هر چیزی در آن می‌روید، هر کس خداوند را دوست بدارد هر چه بخواهد به او می‌دهد، و او را از مال و دارائی بی‌نیاز می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: هر گاه خداوند بنده‌ای را دوست بدارد و در دل برگزیدگان و فرشتگان خود می‌اندازد تا او را دوست داشته باشند، و او واقعا محب خداوند می‌باشد خوشا بحال او، برای وی شفاعت مورد قبول در روز قیامت خواهد بود.» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱/۵۶۴؛ مصباح الشریعة، ص ۴۳۹)

۲- محبت اهل بیت علیه السلام

«امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اسلام برهنه است و لباسش حیا و زینتش وقار و سنگینی است و مردانگیش عمل صالح و ستون و پایه‌اش پرهیزکاری است، و هر چیزی را اساس و پایه‌ای است و پایه اسلام محبت ما اهل بیت است.» (کلینی، ۱۳۶۹: ۳/۷۷؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ص ۴۹۱)

«محبت و معرفت حقیقی به مقامات حضرات انبیاء متوقف است به معرفت خدای متعال - اَللّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَانِكَ اِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي نَفْسَكَ.» (مصباح الشریعة، ص: ۴۴۲؛ قمی، ۱۳۸۹: ص ۹۵۸)

«مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. امام پرسید: این مرد از چه کسانی است؟»

آن مرد خود آماده پاسخ گشت و عرض کرد: از دلباختگان و دوستداران شما پس امام صادق علیه السلام به او فرمود: خداوند بنده‌ای را دوست ندارد تا او را به خود راه دهد و او را به خود راه ندهد تا اینکه بهشت را بر او واجب نماید. سپس به او فرمود: تو از کدام دوستان مایی؟ آن مرد سکوت نمود و مردی به نام سدید عرض کرد: یا ابن رسول الله! مگر دوستان شما چند گونه‌اند؟ فرمود: سه گروهند: گروهی که ما را در ظاهر دوست دارند ولی در باطن دوستان ندارند و گروهی که ما را در باطن دوست دارند ولی در ظاهر اظهار دوستی نمی‌کنند و گروهی که هم در ظاهر دوست دارند و هم در باطن. و اینان دوستان درجه یک ما هستند، اینان آب زلال و گوارا نوشیدند و به تأویل قرآن پی بردند و از فصل خطاب و سبب اسباب اطلاع حاصل کردند. و اینان گروه طراز اول هستند، فقر و نیازمندی و بلاهای گوناگون سریعتر از تاختن اسب بر سر ایشان بتازد، سختی و تنگدستی آنان را فراگیرد و لرزان شوند و دچار فتنه گردند و زخمی و به خون خود غلطان در هر سرزمین دوری پراکنده شوند. به برکت وجود آنان خداوند بیمار را شفا دهد و فقیر را توانگر کند و به برکت آنان شما یاری شوید و باران بر شما ببارد و روزی نصیبتان گردد، آنان از نظر تعداد کم هستند ولی به منزلت و اهمیت نزد خدا، بزرگ باشند. گروه دوم که مرتبه پایین‌اند، ما را در عیان دوست دارند و شیوه پادشاهان را در پیش گرفته‌اند. زبانشان با ماست و شمشیرشان بر علیه ماست. گروه سوم که مرتبه میانه به شمار می‌آیند، ما را در باطن دوست دارند ولی در ظاهر اظهار دوستی نمی‌نمایند. به جان خودم سوگند! اگر ما را [صادقانه] در باطن دوست می‌داشتند بدون اینکه آن را آشکار اظهار نمایند، در شمار روزه داران روز و نماز گزاران شب بودند و اثر عبادت را در رخسارشان می‌دیدید و آنان اهل مسالمت و فرمانبرداری‌اند.

آن مرد عرض کرد: [با این توضیحات] من در شمار دوستداران شما در عیان و نهان هستم. امام صادق علیه السلام فرمود: دوستداران ما که هم در نهان ما را دوست دارند و هم در عیان ویژگیهایی دارند که به وسیله آنها شناسایی می‌شوند. آن مرد

عرض کرد: آن نشانه‌ها چیست؟ امام علیه السلام فرمود: چند نشانه است: نخست آن که یکتاپرستی را به خوبی فهمیده‌اند و به دانش یکتاپرستی به طور کامل دست یافته‌اند و پس از آن به ذات و صفات او ایمان دارند، سپس حدود ایمان و حقایق و شروط و تأویل آن را به دست آورده‌اند.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ص ۵۸۷-۵۹۱)

۳- محبت دنیا

«محبت مادی، یعنی محبت روی اغراض نفسانی و مقاصد دنیوی و جسمانی از مال و عنوان و فرزند و منافع ظاهری، هرگز قابل اعتماد و همیشگی و ثابت و باقی نخواهد بود، زیرا امور مادی در گذر و زوال و تغییر و تحول است، و آنچه وابسته به چنین اموری باشد، در معرض فنا و زوال قرار گرفته، و سزاوار اطمینان و دلبستگی نخواهد بود.» (مصباح الشریعه، ص: ۴۴۳-۴۴۲)

«و در حدیثی عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: نخستین باری که خداوند معصیت شد به خاطر شش چیز بود، محبت دنیا، حب ریاست، حب غذا و طعام، و حب خواب، و حب آسایش، و حب زنان.» (محمد باقر، مجلسی، ۱۳۷۸: ۲/ ۳۶۴)

«و نیت تابع حالت نفسانی است و قبول و رد و درجات کمالش مربوط بهمان حالت نفسانی می‌باشد و تصحیح نیت جز با بیرون ساختن محبت دنیا بوسیله ریاضات شاقه و تفکرات صحیحه ممکن نگردد، زیرا دل سلطان و فرمانروای بدن است و همه اعضاء و جوارح محکوم فرمان او می‌باشند و در یک دل دو محبت متناقض جمع نشود، چنانچه خدای تعالی فرماید: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ»؛ «خدا در اندرون هیچ کس دو دل قرار نداده» (احزاب: ۴) و چون دنیا و آخرت دو مطلوب مخالف و متناقض یک دیگرند، محبت آن دو در یک دل جمع نشود، از این رو کسی که محبت دنیا در دلش جایگزین شده و آخرت را فراموش کرده است، همیشه فکر و خیال و اعضاء و جوارحش متوجه دنیاست و هر عملی که انجام می‌دهد نتیجه غائی و مقصود حقیقیش دنیاست، اگر چه بدروغ دم از خدا و آخرت زند از این رو در عبادات و طاعاتش هم اعمالی را انتخاب می‌کند که بدانها وعده بسیاری مال داده شده و بطاعتی که موجب تقرب و محبت خداست اعتنائی ندارد و گویا اینها حقیقت معنی نیت را درک نکرده و گمان کرده‌اند، که با گفتن اینکه تدریسم را برای محبت خدا انجام می‌دهم درست می‌شود، غافل از اینکه این گفتار جز لقلقه زبان و ادعائی کاذب بیش نیست و حقیقت نیت همان میل و توجه دلست بآنچه می‌خواهد و اگر محبت خدا مطلوب دل نباشد با گفتن بزبان و خطوط بدل بدست نمی‌آید و مثل اینست که شخص سیر بگوید: من میل به غذا دارم، پیداست که این گفتن برای او اشتها نمی‌آورد.» (یعقوب، کلینی، ۱۳۶۹: ۳/ ۱۳۳)

ملاک محبت

«ابو المقدام گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: شیعیان ما کسانی هستند که به همدیگر بذل و بخشش می‌کنند و در محبت ما با هم محبت می‌نمایند، و در زنده نگه داشتن آثار ما با هم رفت و آمد دارند، اگر به آنها ظلم

شود غضب نمی‌کنند و اگر خوشحال شدند اسراف ندارند، به همسایگان می‌رسند و با شریکان خود به خوبی رفتار می‌نمایند.» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۳۰۴/۱)

آثار محبت

۱- ریزش گناهان

«علی بن مهدی از حضرت رضا علیه السلام و او از پدرانش علیهم السلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: محبت ما اهل بیت گناهان را از بین می‌برد و نیکبها را مضاعف می‌گرداند و خداوند متعال مظلومه دوستان ما را قبول می‌کند، مگر اینکه آنها نسبت به مؤمنان ظلم کنند و به آنها زیان برسانند.» (همان، ص ۲۳۴)

«ابو رزین گوید: حضرت امام سجاد علیه السلام فرمود: هر کس ما را برای خدا دوست بدارد دوستی‌ها به او سود می‌رساند و اگر چه در کوه‌های دیلم باشد، و اگر دوستی او با ما برای غیر خدا باشد باز خداوند هر چه بخواهد می‌کند، محبت ما خانواده گناهان را ساقط می‌کند همان گونه که باد برگ‌ها را از درخت می‌ریزد.» (همان، ص ۲۴۸)

«جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند جز ما و شیعیان ما را مورد رحمت خود قرار نمی‌دهد و شیعیان ما روز قیامت رستگار می‌باشند، و در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام فرمود: با محبت ما خداوند شما را می‌آمرزد.» (همان، ص ۲۵۷)

۲- ودیعه محبت نزد فرشتگان

«عبد العظیم بن عبد الله حسنی از حضرت جواد و او از پدرانش علیهم السلام روایت می‌کند که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که مرا در شب معراج به آسمانها می‌بردند جبرئیل مرا به اهل آسمانها معرفی کرد، از آن هنگام خداوند محبت من و خاندانم و شیعیان آنها را در دل فرشتگان گذاشت و آن محبت در نزد آنها بعنوان ودیعه تا روز قیامت خواهد بود.

بعد از این مرا بطرف زمین آورد و مرا به آنها هم شناسانید، و خداوند محبت من و اهل بیت و شیعیان آنها را در دل مؤمنان اتم گذاشت، مؤمنان امت من و دایع مرا در میان خود تا روز قیامت حفظ و حراست خواهند کرد.

اکنون آگاه باشید اگر مردی از امت من همه عمرش را در دنیا به عبادت و پرستش خداوند بگذراند، و بعد از جهان برود و روز قیامت در حالی حاضر شود که با اهل بیت من و شیعیان آنها عناد و بغض داشته باشد خداوند دل او را از نفاق پاک

نخواهد کرد.» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱/ ۳۶۳-۳۶۴)

۳- شفاعت اهل بیت علیهم السلام

«ابو لیلی از امام حسین علیه السلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

محبت ما اهل بیت را داشته باشید، هر کس با ما دوست باشد روز قیامت وارد بهشت می‌گردد و ما از او شفاعت می‌کنیم، به خداوند سوگند بنده‌ای از اعمال خود سود نمی‌برد و مگر اینکه حق ما را بشناسد.^۱

«محمد بن موسی بن متوکل رحمه الله علیه از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از عبد الله بن مسکان، از محمد بن مسلم ثقفی، وی می‌گوید: از حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

فاطمه سلام الله علیها بر درب جهنم توفقی دارند، چون روز قیامت شود بین دیدگان هر شخصی نوشته می‌شود که او مؤمن است یا کافر، بسا شخصی را که دوستدار اهل بیت پیامبر است می‌آورند و به واسطه کثرت گناهانش امر می‌شود وی را در آتش بیاندازند فاطمه سلام الله علیها بین دو دیدگانش را می‌خواند که نوشته او محب اهل بیت است به درگاه پروردگار عرض می‌کند: پروردگارا تو مرا فاطمه نام نهادی و وعده داده‌ای هر کسی که من و ذریه‌ام را دوست دارد از آتش دوزخ بر حذر داری و وعده تو حق بوده و تخلف پذیر نیست.

خداوند عز و جل می‌فرماید: ای فاطمه تو راست می‌گویی، من نام تو را فاطمه نهاده‌ام و وعده داده‌ام که هر کس که محبت و ولایت تو و فرزندان را داشته باشد از آتش جهنم جدایش کنم، وعده من حق بوده و خلف وعده نخواهم نمود و این که به بنده‌ام امر کردم به جهنم برود به خاطر آن بود که تو او را شفاعت کنی و من شفاعت تو را پذیرفته تا موقعیت و منزلت تو در پیش من برای فرشتگان و رسولان معلوم گردد پس هر کسی را که دیدی بین دیدگانش مؤمن نوشته شده دستش را بگیر و به بهشت داخل نما.^۲

«خوارزمی از عبد الله بن عمر، روایت می‌کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر کس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم دیده از دنیا بریندد، به شفاعت من با گروه پیامبران در بهشت قدم خواهد نهاد.» (حلی، ۱۳۷۴: ص ۲۶۴)

۴- همسایگی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

«احمد بن حنبل در مسند خود روایتی را بازگو می‌کند، که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست حسن و حسین را در دست گرفته فرمود: هر کس محبت مرا و این دو فرزندم و پدر و مادرشان را در دل داشته باشد، روز قیامت در بهشت در کنار من خواهد بود.» (همان، ص ۲۶۰).

^۱ از امام دوم علیه السلام نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: محبت ما اهل بیت علیهم السلام را لازم شمارید و همانا کسی که در قیامت ملاقات شود و محب ما باشد، با شفاعت ما وارد بهشت می‌گردد، سوگند به خدایی که جانم به دست اوست، بنده از عمل خود سودی نمی‌برد، مگر با شناخت ما ادای حق ما. (همان، ص ۲۳۴؛ دیلمی، ج ۲ / چاپ: اول، قم، ناصر، ۱۳۷۶: ۲ / ۹۵)

^۲ در فراز پنجم زیارت نامه ی روز یکشنبه حضرت زهرا سلام الله علیها می‌خوانیم: «لُبَّشْرٍ أَنْفَسًا بَأْنَا قَدْ طَهَّرْنَا بَوْلَانِيكِ»؛ تا مؤذنه دهیم خود را به این که ما به وسیله ی ولایت صدیقه ی طاهره سلام الله علیها پاک می‌گردد و حضرت زهرا سلام الله علیها به مشکات انوار الهیه تأویل شده است؛ یعنی اگر ولایت ایشان، در جان ما جاری گشت و متولی حقیقی به ایشان شدیم، آن وقت است که در حوزه ی انوار هدایت ایشان قرار می‌گیریم و واقع شدن در انوار هدایت الهی، به معنی رسیدن به کمال مطلوب است که لازمه اش کمال مطلوب خواهد بود. نقش حضرت زهرا سلام الله علیها در این میدان، این است که ایشان اعظم و ساینده شفاعت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند. (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۱ / ۵۸۷؛ انصاری، ۱۳۹۱: ۱۷۹)

«حسن بن علی علیه السلام گوید که از علی علیه السلام شنیدم که می گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می گفت: اهل بیت من و دوستان آنها از امت من اینچنین بر من وارد شوند- و انگشتان سیاه به هم چسباند- و میانشان جدایی نیست.»، ثقفی، ۱۳۷۴: ۲۱۲؛ کوفی اهوازی، ۱۳۸۷: ۱۹۳)

۵-دوری شیطان

«علی علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و اله پرسیدند آن چیست که شیطان را از ما دور می کند فرمود: روزه چهره شیطان را سیاه می کند، صدقه کمر او را می شکند، محبت در راه خدا و مواظبت بر کارهای شایسته کمر او را قطع می کند و استغفار کردن او را می زند.» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱/ ۵۳۳)

۶- ملاقات با خداوند متعال

«ابو امیه یوسف بن ثابت بن ابوسعیده نقل می کند که چون به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند عرض کردند که: ما شما را دوست داریم زیرا فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم هستید، و از آنجا که خداوند سبحان حق شما را بر ما واجب گردانیده ما شما را برای دنیا دوست نداریم، و همانا ما برای خشنودی خدا و سرای آخرت به شما علاقه داریم و نیز برای آنکه دین هر یک از ما سامان یابد. امام صادق علیه السلام فرمود: راست گفتید، هر که ما را بخواهد با ماست یا در روز قیامت همراه ما بیاید این چنین- و سپس دو انگشت سیاه خود را از دو دست به هم چسباند- و سپس فرمود: بخدا سوگند اگر مردی روزها را روزه گیرد و شبها را به عبادت برخیزد و با نداشتن ولایت ما اهل بیت خدا را ملاقات کند خداوند او را ملاقات خواهد کرد در حالی که از او خشنود یا نبوده و یا خشمگین است.» (کلینی، ۱۳۸۱: ص ۱۴۴)

۷- عبادت خداوند متعال

«روایت کرد سعید بن جبیر بروایات صحیحیه از ابن عباس که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم ولایت و دوستی علی ابن ابی طالب علیه السلام ولایت خداست و محبت او عبادت خداست و متابعت او فریضه خداست و دوستان او دوستان خداوند و دشمنان او دشمنان خداوند و جنگ او جنگ خداست و صلح او صلح خداست.» (شعیری، ۱۳۸۸: ص ۲۱)

۸- میل به محبت خداوند متعال

«مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: آیا محبت علی برای من نفعی دارد؟! فرمود: وای بر تو! هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر کس مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر کس خدا را دوست بدارد خدا او را عذاب نمی کند.» (هلالی، ۱۴۱۶: ص ۶۵۱)

و همچنین در فرازی از زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«هر کس که شما را دوست بدارد بیگمان خدا را دوست داشته، و هر کس که شما را دشمن بدارد بیقین خدا را دشمن داشته، و هر کس که محبت شما را در دل داشته باشد محبت خدا را در دل داشته، و هر کس که با شما کینه بورزد با خدا کینه ورزیده، و هر کس که بدامن شما در آویزد بدامن لطف خدا در آویخته است.» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۳/ ۵۴۵)

۹-۱- اکمال دین

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس با محبت محمد و آل محمد بمیرد، مؤمن است و با ایمان کامل جهان را ترک می کند.» (همان: ۱/ ۲۶۴)

۱۰- ثبات ایمان

«امیر المؤمنین علیه السلام رو به اصحابش کرد و فرمود: ای صحابه، بخدا قسم به هیچ کاری اقدام نکردم مگر آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره آن با من عهد و پیمان کرده بود. خوشحال بحال کسی که محبت ما اهل بیت در قلب او رسوخ داشته باشد، ایمان در قلب چنین کسی ثابت تر از کوه احد در مکانش خواهد بود.» (هلالی، ص ۵۱۵)

۱۱- بدون محاسبه

«خوارزمی از عبد الله بن عمر، روایت می کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس محب علی باشد، خدای متعال، نماز و روزه و اعمال خیر او را پذیرفته و دعایش را به اجابت مقرون می نماید و هر کس محب علی باشد به شماره هر رگی که در بدن دارد، شهری در بهشت به او عطا می کند و هر کس محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در دل داشته باشد، از سختی حساب، میزان و صراط در روز قیامت در امان خواهد بود.»^۱

«علی بن الحسین باسنادش، از ابی بصیر، وی می گوید: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام یا ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمودند: کسی که دوست دارد محل سکنا و منزلش بهشت باشد پس زیارت مظلوم (مظلوم کربلاء) را ترک نکند. عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند: مظلوم حسین بن علی علیهما السلام که صاحب کربلاء است می باشد، کسی که بخاطر شوق به آن حضرت و محبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه سلام الله علیها و حب به امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین حضرتش را زیارت کند خداوند او را بر سر سفره های بهشتی نشانده که با آن سروران هم غذا باشد در حالی که مردم در حساب می باشند. (ابن قولویه، کامل ۱۳۷۷: ص ۴۴۷)

۱۲- شیعه بودن

«جابر گوید: امام باقر علیه السلام بمن فرمود: ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع میکند، او را بس است که از محبت ما خانواده دم زند؟ بخدا شیعه ما نیست، جز آنکه از خدا پروا کند و او را اطاعت نماید، ای جابر! ایشان شناخته نشوند، جز با فروتنی و خشوع و امانت و بسیاری یاد خدا.» (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۱۸/۳)

^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: هر کس مرا بعد از وفاتم زیارت کند، گویی مرا در دوران حیات زیارت کرده است و هر کس علی علیه السلام را زیارت کند، گویی امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت نموده است و همین طور اگر کسی ذریه ی اطهار آن ها (سائر ائمه علیها السلام) را زیارت کند، گویی حسین علیه السلام را زیارت کرده است. ... این که مجرای فیوضات و فضائل موجود در زیارت ائمه علیها سلام وجود مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها است و اتصال به حقیقت وجودی نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از طریق ایشان محقق می شود. (حلی، ص ۲۶۴؛ انصاری، ص ۱۷۹).

۱۳- زیارتگاه فرشتگان

«هر کس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا برود قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می‌دهد. و هر کس با محبت آل محمد از دنیا برود بر سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته است.» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱/ ۲۶۴؛ ابن طاووس، ۱۳۷۴ ص: ۲۶۷-۲۶۸)

۱۴- میل به مقام شهادت

«رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: هر کس در محبت محمد و آل محمد علیهم السلام بمیرد شهید مرده است، و هر کس در محبت آل محمد بمیرد مورد رحمت و مغفرت قرار می‌گیرد، و هر کس در محبت آل محمد بمیرد با توبه از جهان می‌رود.» (مجلسی، ۱۳۷۸: ص ۲۶۴؛ ابن طاووس، ص ۲۶۷)

۱۵- کسب همه خوبی‌ها

«حضرت علی بن الحسین علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم نقل می‌کند که فرمود: محبت من و خاندانم در هفت جا که هراس آنها بزرگ است، سود می‌دهد: موقع مردن و در قبر و در هنگام برخاستن از قبر و هنگام گرفتن نامه اعمال و نزد حساب و نزد میزان و نزد صراط.» (محمد بن علی، ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۳۷/۲)

۱۶- کسب امنیت

«ابو عبد الله جدلی گوید: علی علیه السلام فرمود یا ابا عبد الله می‌خواهی تو را از حسنه‌ای که به وسیله آن از هول و ترس روز قیامت در آسایش باشی و یا از گناهی که هر کس روز قیامت آن را بیاورد برو در آتش خواهد افتاد خبر دهم گفتم: آری، فرمود: حسنه محبت ما و سیئه دشمنی با ما می‌باشد.» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱/ ۲۷۰)

«رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: هر کس به محبت آل محمد از دنیا برد، فرشتگان رحمت در قبرش جای می‌گیرند، هر کس با محبت آل محمد از دنیا برود در پیروی از سنت رسول از جهان می‌رود، و هر کس با بغض و کینه آل محمد از دنیا برود روز قیامت در پیشانی‌ش می‌نویسند این از رحمت خداوند مایوس است، و هر کس در بغض آنها بمیرد کافر است و بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید.» (همان، ص ۲۶۴)

۱۷- ثبات قدم بر صراط

«عبد الله بن عمر گوید: حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: هر کس آل محمد را دوست بدارد از حساب و میزان و صراط براحتی می‌گذرد و هر کس در محبت آل محمد بمیرد من ضمانت می‌کنم که خداوند او را با پیامبران محشور کند، و هر کس در دشمنی آل محمد از دنیا برود روز قیامت در پیشانی او نوشته خواهد شد این از رحمت خداوند دور می‌باشد.» (همان، ص ۱۸۶)

«ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام و آن حضرت از پدراناش نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: [هر گاه] محبت و دوستی^۱ تو در دل مؤمنی قرار گیرد باعث می شود اگر یک قدمش بر صراط بلغزد، قدم دیگرش ثابت بماند تا اینکه خداوند او را به سبب محبت تو، به بهشت وارد کند. (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ص ۲۷)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ثابت قدم ترین شما بر «صراط» کسی است که، محبت او نسبت به اهل بیت علیهم السلام و اصحاب (خالص) من عمیقتر باشد.» (راوندی کاشانی، ۱۳۷۶: ص ۱۹۹)

۱۸- ورود به بهشت

«عبد الله بن عمر گوید: حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: هر کس علی را دوست بدارد خداوند نماز و روزه و اعمال مستحبی او را قبول می کند، هر کسی علی را دوست بدارد خداوند به عدد هر یک از رگهای بدن او شهری در بهشت به او می دهد.» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱/۱۸۶)

«حضرت باقر از پدراناش علیها السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: هر گاه روز قیامت شود منادی از طرف آسمان فریاد می زند ای گروه مردمان دیده برهم گذارید تا دختر حبیب خدا به طرف منزل خود برود.

هنگامی که فاطمه دخترم عبور می کند و جامه سبز می پوشد و هفتاد هزار حور العین پیرامون او را می گیرند و او را مشایعت می کنند وقتی که کنار منزلش می رسند مشاهده می کنند که فرزندش حسن ایستاده و فرزند دیگرش در حالی که سر در بدن ندارد خوابیده است.

فاطمه سلام الله علیها به حسن علیه السلام می گوید: این کیست: حسن علیه السلام می گوید: این برادرم می باشد که امت پدرت او را کشتند و سرش را از بدن جدا کردند، در این هنگام از طرف خداوند ندا می رسد ای دختر حبیب الله، من امروز کارهای امت پدرت را که در باره فرزندت انجام دادند به تو نشان دادم.

^۱ ابان بن تغلب نقل کرده است: علی بن محمد بن بشر گفت: «روزی در حضور محمد بن علی علیه السلام نشسته بودم. مردی سوار بر شتر وارد شد و نامه ای را تقدیم کرد؛ آن حضرت چون نامه را خواند گفت: مهلب از ما چه چیزی می خواهد؟ در جواب گفت: دنیا و آخرت را از شما می خواهد، چون در نزد شما اهل بیت، هم دنیا و هم آخرت است. آن جناب گفت: ما شاء الله، هر کسی ما را برای خدا دوست بدارد نفع می برد و حب ما اهل بیت چیزی است که خدای سبحان بر قلب های بندگان می نگارد و تثبیت می کند. هر کسی در قلبش مهر و محبت ما نگاه داشته شود، احدی قادر به محو آن نیست.

آیا نشنیدی که خداوند تعال در سوره مجادله آیه ۲۲ می فرماید: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» حب و دوستی ما اهل بیت نه تنها از ایمان است، بلکه از اصل ایمان است.» (حسکانی، ۱۳۸۰: ص ۲۸۸). آیا نشنیدی که خداوند تعال در سوره مجادله آیه ۲۲ می فرماید: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» حب و دوستی ما اهل بیت نه تنها از ایمان است، بلکه از اصل ایمان است.» (حسکانی، ۱۳۸۰: ص ۲۸۸).

ای فاطمه من برای تو در برابر این مصیبت پاداشی قرار داده‌ام و آن اینست که به کارها و اعمال مردم نخواهم رسید تا آنگاه که تو وارد بهشت گردی و فرزندان را هم با شیعیان خود همراه بیاوری، و کسانی که نسبت به شما محبت کرده‌اند آنها را هم وارد بهشت می‌کنم و بعد بحساب مردم می‌رسم.» (همان؛ ص ۲۰۴)

«رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: هر کس با محبت آل محمد بمیرد فرشته مرگ او را به بهشت بشارت می‌دهد، و نکیر و منکر بشارت بهشت را به او می‌دهند، هر کس به محبت آل محمد از دنیا برود از قبرش دو در بطرف بهشت باز می‌گردد.» (همان، ص ۲۶۴؛ ابن طاووس، ص ۲۶۷)

«در حدیثی از سلیمان دیلمی گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: با پدرم به مسجد رفتیم و نزدیک قبر و منبر قرار گرفتیم، در این جا گروهی از یاران آن جناب گرد هم بودند، امام نزد آنها رفتند و بر آنان سلام کردند و فرمودند به خداوند سوگند من شما را دوست می‌دارم و از بوی شما خوشم می‌آید.

اینک ما را با تقوی و پرهیزکاری و کوشش در کارهای خیر یاری کنید، شما به ولایت ما نمی‌رسید مگر اینکه تقوی داشته باشید، هر کس دنبال امامی می‌رود باید مانند او کار کند، بعد فرمود: شما نگهبانان و پاسبانان دین هستید و شیعیان خداوند می‌باشید، شما از گذشتگان و آیندگان پیشی گرفته‌اید.

شما در دنیا به محبت ما پیش دستی کردید و در آخرت زودتر از همه به بهشت می‌روید، ما به ضمانت خدا و رسول بهشت را برای شما ضمانت می‌کنیم، شما پاک هستید و زنان شما هم پاک می‌باشند، هر مؤمن خود یک صدیق و هر مؤمنه‌ای یک حوراء محسوب می‌گردد.» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱/۲۷۱-۲۷۲)

۱۹- حقیقت ایمان

«فضیل بن یسار گوید: از حضرت باقر علیه السلام شنیدم فرمود: کسی از شما به حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر اینکه در او سه خصلت باشد، مرگ در نزد او محبوب‌تر از زندگی باشد و فقر در نزد او گرامی‌تر از توانگری باشد، و بیماری گوارتر از تندرستی باشد، گفتیم: کدام یک از ما می‌توانیم به این مقام برسیم.

امام علیه السلام فرمود: همه شما، بعد فرمود: کدام یک از شما دوست دارید که در محبت ما بمیرید و یا در بغض ما زندگی کنید، گفتیم مرگ در محبت شما را بیشتر دوست می‌داریم، فرمود: همان گونه فقر و توانگری و بیماری و صحت را هم دوست می‌دارید، گفتیم آری، به خداوند سوگند برای محبت شما همه این‌ها را دوست می‌داریم.» (همان، ص ۱۴۰-۱۴۱)

۲۰- خیر دنیا و آخرت

«ابو سلمه از ابو سعید خدری نقل می‌کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: هر کس که خداوند محبت امامان از خاندان مرا به او روزی کرده باشد، به خیر دنیا و آخرت رسیده است و کسی شک نکند که او در بهشت خواهد بود، چون محبت اهل بیت من بیست خصلت دارد، ده تا از آن در دنیا و ده تا در آخرت است، اما آنچه در دنیاست عبارت است از زهد و حرص در عمل و پرهیزگاری در دین و رغبت در عبادت و توبه پیش از مرگ و شادابی در شب زنده داری و نومیدی از آنچه دست مردم است و مراعات امر و نهی الهی، و نهمی دشمنی با دنیا، و دهمی سخاوت. و اما آنچه در آخرت است

عبارت است از اینکه پرونده‌ای برای او نشر داده نشود و ترازو (میزان) برای او نصب نشود و نامه اعمالش به دست راستش داده شود و برای او برائت از آتش نوشته می‌شود و صورت او سفید خواهد بود و از لباسهای بهشتی پوشانیده می‌شود و در میان صد نفر از خاندانش شفاعت می‌کند و خداوند با رحمت به او نگاه می‌کند و تاجهای بهشتی بر سر او گذاشته می‌شود و دهم اینکه بدون حساب وارد بهشت می‌گردد، پس خوشا به دوستان خانان من.» (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۲/۲۸۳؛ فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ص ۴۴۲؛ طبرسی، ۱۳۷۴: ص ۷۴-۷۵)

۲۱- حلال زادگی

«امام باقر علیه السلام فرموده است: هر کس بامداد کند و خوشی و خنکی محبت و دوستی ما را در دل خود احساس کند، خدای را به نعمت نخستین ستایش کند. گفته شد:

نخستین نعمت چیست؟ فرمود: حلال زادگی. (طبرسی، ص ۷۴؛ فتال نیشابوری، ص ۴۴۲)

نتیجه گیری

در این پژوهش بیان شد که دین بر پایه محبت بنا شده است چرا که معرفت در درون انسان وجود دارد که با محبت آشکار می‌شود و این معرفت باعث مودت و شناخت بیشتر می‌شود و در نهایت لقاء الله را در پی می‌آورد و بهترین محبت، محبت به پروردگار است و برای این که محبت پروردگار درک شود باید به ائمه علیهم السلام (چرا که همه ی آنها کَلِّم نور واحد هستند) چنگ زد زیرا آنان مرآت الهی هستند یعنی از راه محبت به آنها می‌توان به محبت پروردگار نائل شد و اینکه بیان شده که فاطمه را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است و هر که او را دشمن بدارد با پیامبر صلی علیه و آله و سلم دشمن است و هر که با پیامبر دشمن باشد با خدا دشمن است. حال این محبت باید در درون استقرار داشته باشد و این محبت نهادینه نمی‌شود مگر با اطاعت و پیروی آنها، انجام اعمال صالح، تا دارای آثاری چون هدایت، ریزش گناهان، هم نشینی با آنان در بهشت، ثبات قدم، اطاعت و تبعیت، تقرب به خدای متعال می‌شود. چونان شود که مانند برخی از بزرگان که محبت حضرت زهرا سلام الله علیها را داشتند در تنگناها و سختی ها حضرت سلام الله علیها بیاری ایشان می‌آمدند.

فهرست منابع

*قرآن

*فارسی

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، بی تا، اسرار توحید، (مترجم: محمد علی اردکانی)، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، چاپ اول.
- ۲-، بی تا، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، (مترجم: علی اکبر غفاری)، تهران: کتابفروشی صدوق، چاپ اول.
- ۳-، علل الشرائع، (مترجم: محمد جواد ذهنی تهرانی)، قم: انتشارات مؤمنین، چاپ اول، (۱۳۸۰).

- ۴- ترجمه من لا يحضره الفقيه، (مترجم: علی اکبر غفاری)، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، (۱۳۶۷).
- ۵- الخصال، (مترجم: یعقوب جعفری)، چاپ: اول، قم، نسیم کوثر، (۱۳۸۲).
- ۶- فضائل الشیعه، (مترجم: امیر توحیدی)، تهران: انتشارات زراره، چاپ: سوم، (۱۳۸۰).
- ۶- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، (مترجم: محمد جواد ذهنی تهرانی)، تهران: انتشارات پیام حق، چاپ: اول، (۱۳۷۷).
- ۷- ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، (مترجم: داوود الهامی)، قم: نوید اسلام، چاپ: دوم، (۱۳۷۴).
- ۸- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، (مترجم: احمد جنتی)، تهران: مؤسسه امیر کبیر، چاپ: اول، (۱۳۸۲).
- ۹- تحف العقول، (مترجم: صادق حسن زاده)، قم: انتشارات آل علی علیه السلام، چاپ: اول، (۱۳۸۲).
- ۱۰- انصاری، محمدباقر، زیارت فاطمی، قم: دلیل ما، چاپ اول، (۱۳۹۱).
- ۱۱- بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، اسلامی، چاپ دوم، تهران، (۱۳۷۵).
- ۱۲- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات، (مترجم: عبدالمحمد آیتی)، تهران: وزارت ارشاد، چاپ: دوم، (۱۳۷۴).
- ۱۳- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، (مترجم: احمد روحانی)، چاپ اول، قم، (۱۳۸۰).
- ۱۴- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر آینه یقین، (مترجم: سید مجتبی علوی تراکمه ای)، قم: هجرت، چاپ: اول، (۱۳۷۴).
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱۷، تهران: چاپ سیروس، (۱۲۵۸-۱۳۳۵).
- ۱۶- دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، (مترجم: علی سلگی نهاوندی)، قم: ناصر، چاپ: اول، (۱۳۷۶).
- ۱۷- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، تهران: مرتضوی، چاپ دوم، (۱۳۷۴).
- ۱۸- راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، (مترجم: احمد صادقی اردستانی)، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانیپور، چاپ اول، (۱۳۷۶).
- ۱۹- شعیری، محمد بن محمد، کاشف الأستار، (مترجم: شرف الدین خویدکی)، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، چاپ: اول، (۱۳۸۸).
- ۲۰- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، (مترجم: محمدباقر موسوی همدانی)، قم، دارالعلم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، (۱۳۷۴).
- ۲۱- طبرسی، علی بن حسن، مشکاه الأنوار، (مترجم: عزیز الله عطاردی قوچانی)، تهران: عطارد، چاپ: اول، (۱۳۷۴).
- ۲۲- قتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین، (مترجم: محمود مهدوی دامغانی)، تهران: نشر نی، چاپ: اول، (۱۳۶۶).
- ۲۳- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ: ششم، (۱۴۱۲).

- ۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب، بهشت کافی، (مترجم: حمید رضا آذیر)، چاپ: اول، قم: انتشارات سرور، (۱۳۸۱).
- ۲۵-، تحفه الأولیاء (ترجمه أصول کافی)، (مترجم: محمد علی اردکانی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث)، چاپ: اول (۱۳۸۸).
- ۲۶-، (۱۳۶۹)، أصول الکافی، (مترجم: جواد مصطفوی)، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، چاپ: اول.
- ۲۷- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، (۱۳۸۷)، زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟، (مترجم: عبدالله صالحی نجف آبادی)، قم: سازمان نورالسجاد، چاپ: اول.
- ۲۸- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۳۷۸)، ایمان و کفر، (مترجم: عزیزالله عطاردی قوچانی)، چاپ: اول، تهران: عطارد.
- ۲۹-، (۱۳۶۴)، بحار الأنوار- ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، (مترجم: ابوالحسن موسوی همدانی)، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر، چاپ: اول.
- ۳۰- قمی، عباس، (۱۳۸۹)، مفاتیح الجنان، (مصحح: محمد رضا رضوان طلب)، قم: آیین دانش، چاپ: شانزدهم.
- ۳۱- منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، (۱۳۶۰)، مصباح الشریعہ، (مترجم: حسن مصطفوی)، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، چاپ: اول.
- ۳۲- هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۱۶)، أسرار آل محمد علیهم السلام، (مترجم: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی)، چاپ: اول، قم: نشر الهادی.
- *عربی
- ۳۳- آمینی نجفی، عبدالحسین، (۱۳۶۸)، الغدیر، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.